



## خاطرات پس از مرگ براس کوئاس

ماشادو د آسپس

ترجمه عبدالله کوثری

انتشارات مروارید، چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۳

برنده جایزه بهترین کتاب سال

خاطرات پس از مرگ براس کوئاس از زبان انگلیسی به فارسی

ترجمه شده. عنوان اصلی کتاب Memorias postumas de Bras

Cubas است ولی عنوان ترجمه انگلیسی آن این است: گورنوشته برنده‌ای حقیر Epitaph of a small winner کتاب شامل بخشی است با عنوان "درباره نویسنده" به قلم مترجم انگلیسی زبان و مقاله‌ای است در معرفی نویسنده برزیلی کتاب ماشادو د آسپس به قلم خانم سوزان سونتاک، منتقدی که ماشادو د آسپس را بزرگترین نویسنده آمریکای لاتین در دو قرن اخیر می‌داند. این کتاب که در اصل به زبان پرتغالی نوشته شده، هشتاد سال پس از نوشته شدن یعنی در دهه ۱۹۶۰ به اسپانیایی ترجمه شده و یک دهه بعد به انگلیسی. کوثری را علاوه بر کیفیت ترجمه‌اش، که جایزه بهترین کتاب سال را بحق نصیب او کرد، به دلیل کشف مجدد کتاب نیز باید ستود. این کتاب پس از انتشار به زبان انگلیسی در شمار صد رمان بزرگ جهان جای گرفته است. برای آشنایی بیشتر با زبان کتاب، گزیده‌ای از اظهارات خانم سونتاک از مقدمه کتاب را نقل می‌کنیم:

در همان آغاز فصل یکم، مرگ نویسنده، براس کوئاس شاد و سرخوش اعلام می‌کند: "من نویسنده‌ای فقید هستم، اما نه به معنی آدمی که چیزی نوشته و حالا مرده، بلکه به معنی آدمی که مرده و حالا دارد می‌نویسد." این نخستین شوخی شکل دهنده این رمان است و این شوخی درباره آزادی نویسنده است... رمان ماشادو د آسپس متعلق به سنت روایت لوده‌وار است، از زبان اول شخصی که می‌کوشد خود را برای خواننده شیرین کند... شور و نشاط نهفته در روایت نواسترنی [لارنس استرن، نویسنده کتاب زندگی و عقاید تریسترام شنیدی] این خاطرات نه از نطن شوخ و سنگ استرن مایه می‌گیرد و نه حتی از دلشوره‌های استرنی. این نوعی پادزهر تمهیدی برای جبران افسردگی و نومیدی زاوی است. راهی برای چیره شدن بر یأس و اندوه، زندگی درس‌های تلخش را می‌دهد و می‌رود، اما انسان می‌تواند هر طور که خوش دارد بنویسد، این شکنی از آزادی است.

زبان یا سبک کتاب دو ویژگی بارز دارد. ویژگی اول زبان رسمی روای است. ویژگی دوم شوخ طبعی او که با استفاده از کلمات و تعبیرات محاوره‌ای در دل زبان رسمی کتاب بیان می‌شود. عبدالله کوثری هم در نوشتن زبان رسمی و هم در بکار بردن تعبیرات محاوره‌ای بسیار چیره دست است و از این جهت می‌توان گفت این کتاب بهتر از هر کتاب دیگری می‌تواند هنر کوثری را نشان بدهد.

روش کوثری اساساً لفظ‌گرایانه است زیرا تلاش او در درجه اول آن است که برای هر کلمه در متن اصلی کلمه‌ای نظیر در ترجمه بیاورد. اما کوثری به دلیل تسلطی که بر زبان فارسی دارد، انتخابهایش در محدوده لفظ بسیار دقیق است. برای یافتن معادل برای بسیاری از کلمات و تعبیرات، کوثری سراغ فرهنگ عامیانه می‌رود و معادلهایی دقیق و اثرگذار از دل این فرهنگ بیرون می‌کشد. از مقابله بخشی از ترجمه کوثری و اصل آن در بخش نمونه ترجمه، به قدرت کوثری در بازآفرینی زبان طنز نویسنده با استفاده از تعبیرات عامیانه می‌توان به خوبی پی‌برد. انتخابهای کوثری هم با معیار متن اصلی دقیق است هم با معیار زبان فارسی. لفظ‌گرایی اگر استادانه بکار گرفته شود، بهترین روش برای ترجمه ادبیات است. کاربرد استادانه لفظ‌گرایی مستلزم آگاهی از آفات بالقوه این روش و پرهیز از آنهاست. باید مدام مراقب تعبیرات ترجمه‌ای و انتقال ویژگی‌های زبان اصلی به زبان مادری بود. ترجمه‌های کوثری الگوهای بسیار خوبی برای مترجمان ادبی جوانتر است.

صحبت از تعبیرات ترجمه‌ای و انتقال ویژگی‌های زبان اصلی به زبان فارسی شد، بی‌مناسب نیست به نکته‌ای در این مورد اشاره کنم. ترجمه کوثری را که می‌خواندم، زیر چند جمله خط کشیدم. این جملات را بهانه‌ای برای بحث درباره اصل انتخاب اول قرار می‌دهم و امیدوارم صاحب نظران از جمله خود استاد کوثری نظرشان را در این مورد برایمان بنویسند. یکی از جملات مورد بحث جمله زیر بود:

چون شایعه پذیرفته شده این بود که دختر وکیلی اهل مادرید است.

به نظر من ترکیب شایعه پذیرفته شده ترکیبی عاریتی است نه به این دلیل که لفظ به لفظ از متن انگلیسی ترجمه شده، (ترجمه لفظ به لفظ اجزای هر ترکیب غیر فارسی لزوماً غیر فارسی نیست)، بلکه به این دلیل که اگر مترجم می‌خواست خود این جمله را مستقیماً به فارسی بنویسد بعید بود این ترکیب را بکار برد. در بازنویسی هر جمله به زبان فارسی، نخست باید خود را از تأثیر جمله اصلی خلاص کرد، سپس راهی برای بیان جمله در زبان فارسی یافت. در اینجا لازم است دو نکته را ذکر کنم. اولاً در عموم موارد ترجمه لفظ به لفظ اجزاء ترکیب، یا اجزای جمله در فارسی قابل درک و

حتی قابل قبول است و به همین دلیل است که لفظ‌گرایی مترجم را فریب می‌دهد، اما آنچه قابل درک و حتی قابل قبول است، لزوماً انتخاب اول اهل زبان نیست. لفظ‌گرایی فقط تا آنجا قابل قبول است که انتخابها در سطح واژگان یا معنی یا نحو، همگی انتخاب اول اهل زبان باشد. اگر اصل انتخاب اول را ملاک قرار ندهیم، مجبوریم در ترجمه هر چه را که قابل درک و یا، با معیارهای زبان فارسی، قابل قبول است، بپذیریم. و بین آنچه قابل قبول است و انتخاب اول اهل زبان گاه فاصله بسیار زیاد است.

آنچه در مورد اصل انتخاب اول گفتم، شاید این تصور را به وجود بیاورد که من قابلیت‌های فارسی را ثابت می‌پندارم. به عبارت دیگر، شاید چنین تصور شود که من می‌گویم هر آنچه قبلاً بکار رفته، انتخاب اول است و هر آنچه قبلاً بکار نرفته، ولو اینکه قابل قبول هم باشد، انتخاب اول نیست و این نکته بخصوص در مورد متون ادبی نمی‌تواند صادق باشد. زبان فارسی مثل هر زبان دیگر قابلیت‌های بالقوه و بالفعل دارد. قابلیت‌های بالفعل همان است که پیش از این بکار گرفته شده است، اما قابلیت‌های بالقوه بی حد و مرز نیست بلکه بکارگیری آنها مستلزم نوعی قیاس با قابلیت‌های بالفعل است و، باید اذعان کرد، این قیاس، قیاسی صرفاً منطقی نیست بلکه ذوق و تجربه ما از زبان فارسی در آن سهم بسزایی دارد. آنچه مسلم است این است که قابلیت‌های بالقوه حد و مرز دارد. اگر حد و مرزی قابل نشویم، در این صورت می‌توان همه ترکیبات دو کلمه‌ای انگلیسی و همه نوع جمله انگلیسی را لفظ به لفظ به فارسی ترجمه کرد. حال اینکه کسی به چنین چیزی حتی در مورد متون ادبی قایل نیست. با این حال، این حد و مرز خط قاطعی نیست که ما بتوانیم بین زبان فارسی و زبان انگلیسی بکشیم. حاشیه‌ای مرزی است که غالباً محل مناقشه میان اهل زبان است. به عبارت دیگر، در غالب موارد میان اهل زبان وحدت نظر و در مواردی هم اختلاف نظر وجود دارد. بدین ترتیب شایعه پذیرفته شده ممکن است در نزد برخی ترکیبی فارسی و قابل قبول به نظر برسد یا مغایرتی با زبان فارسی نداشته باشد و در نزد برخی دیگر ترکیبی عاریتی باشد. پیشنهاد من برای ترجمه این جمله این است: چون شایع بود که دختر و کیلی اهل مادرید است. به گمان من در فعل "شایع بود" مفهوم "پذیرفته شده" نهفته است.

روش لفظ‌گرا امتیازات و آفات بسیار دارد. از جمله امتیازات لفظ‌گرایی به فعلیت درآوردن قابلیت‌های زبان فارسی در همه جنبه‌های لغوی، نحوی و معنایی است. یکی از آفات لفظ‌گرایی انتقال برخی خصوصیات دستوری زبان انگلیسی به فارسی است. در این مورد به جمله زیر از ترجمه کوثری توجه کنید:

یکی از عموهایم، کشیشی برخوردار از همه مزایای آن لباس، می‌گفت عشق ...

در جمله فوق، عبارت بلند کشیشی برخوردار از همه مزایای آن لباس بدل "یکی از عموهایم" واقع شده است. کوثری این نوع بدل را مکرر در ترجمه خود بکار برده است. نمیدانم آیا نظیر این ساخت در نثر فارسی بکار رفته یا این ساخت از انگلیسی به فارسی انتقال یافته است. با توجه به اصل انتخاب اول، اگر من می‌خواستم در مقام تألیف نه ترجمه، جمله فوق را به فارسی بنویسم، آن را با توجه به معنی جمله به یکی از دو صورت زیر می‌نوشتم:

یکی از عموهایم کشیشی بود برخوردار از همه مزایای آن لباس. می‌گفت عشق ...

یکی از عموهایم که کشیشی بود برخوردار از همه مزایای آن لباس، می‌گفت عشق ...

به اعتقاد اینجانب، تجربه کوثری در مقام شاعر، بر نثر ایشان تأثیر گذاشته است. یکی از این تأثیرات علاقه کوثری به ایجاز است، یعنی همان خصلتی که در شعر حسن به حساب می‌آید، اما در نثر همیشه چنین نیست.

نکته دیگری که در ترجمه کوثری قابل ذکر است این است که اگر چه زبان ترجمه زبانی کتابی است به این معنی که افعال و کلمات به صورت سالم، و نه شکسته، نوشته شده‌اند، اما گاهی بعضی کلمات، سالم بعضی شکسته ثبت شده‌اند. این کلمات شکسته در میان کلمات سالم جلب توجه می‌کنند. در این مورد بسیار مایلیم بدانم ملاک کوثری چه بوده است. این مسأله از جهت آموزشی اهمیت بسیاری دارد و چه خوب است استادان ترجمه مثل کوثری اصول کار خود را برای مترجمان جوانتر بیان کنند. به نمونه‌هایی توجه کنید: باهاش ازدواج کنم / دوباره باهام صحبت کرد / چشم‌ام روشن و مصمم بود / یواشکی ازم پرسید.

و بالاخره به این جمله توجه کنید:

- همان چیزی نیست که مایل‌یم آن را به آنچه ...

آیا مایل‌یم اشتباه تایپی است؟ که امیدواریم چنین باشد، در غیر این صورت آدم درمی‌ماند که برخی ویراستاران و ناشرین که مایلیم را مایل‌یم می‌نویسند چه استدلالی برای این رجحان ذوقی خود دارند. آیا سابقه‌ای برای این کار وجود دارد؟ آیا این کار خدمت است به فارسی؟